



دکتر فریدون سیامکنزاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

بار ببر، می‌گوید من «مرغ» هستم. یعنی علی‌رغم این که بعضی محصولات بهداشتی نام دو اثر را با خود یدک می‌کشند، کار هیچ کدام را هم انجام نمی‌دهند!

یادداشت ۳

نام برند شیرخشکی را گفت که پیدا نمی‌شد. شیرخشک دیگری را معرفی کردم و در ضمن، سؤال کردم برای چی می‌خواهد؟ پاسخ داد که می‌خواهم با آن حلوا درست کنم. برای ایشان شرح دادم که فرمولاسیون تمام شیرخشک‌ها یکی است و اسامی تجاری آن‌ها فرق دارد. البته، برای تغذیه بچه‌ها بهتر است که یک برند خاص را از اول انتخاب کنید و هر از گاهی آن را عوض نکنید، که ممکن است برای دستگاه گوارش بچه به دلیل نوع ساخت شیرخشک از سوی کارخانه‌های مختلف، مشکل آفرین باشد ولی برای پختن حلوا یا هر غذای دیگری، فرقی نمی‌کند که چه برندی را استفاده کنید!

یادداشت ۴

خانم خوش‌زبانی بود. از وقتی وارد داروخانه شده بود، بدون وقفه صحبت کرده بود و راجع به تمام بیماری‌های خودش، شوهرش و احیاناً همسایه دست راستی و سوپر مارکت دست چپی هم مطالبی را عنوان کرده بود. برای شوهرش که مبتلا به دیابت بود، دارو می‌خواست که دادم. خانم کماکان به صحبت ادامه می‌داد و این بار، تمام صحبتش راجع به بیماری

یادداشت ۱

بعضی از همکاران پزشک، خصوصاً پزشکان متخصص قلب و عروق به دلیل این که مریض کمتر به مطب مراجعه کند، مقادیر زیادی دارو، بعضاً برای شش ماه مریض تجویز می‌کنند. معمولاً هم خیلی از این همکاران با بیمه قرارداد ندارند، ولی داروی بیمار را داخل دفترچه بیمه می‌نویسند و مریض هم برای این که تمام دارویش را با بیمه بگیرد، اصرار دارد که تمام داروهای نسخه را تهیه کند. وقتی هم که سؤال می‌کنیم، می‌گویند برای صرفه‌جویی در برگ‌های دفترچه بیمه است! یکی از مراجعه‌کنندگان دائمی و محلی داروخانه، مقداری داروی قلبی و عروقی را آورده بود و از تاریخ انقضای آن‌ها سؤال داشت. کنترل کردم و بعضاً ۳ تا ۶ ماه از تاریخ مصرف بعضی از آن‌ها گذشته بود!

یادداشت ۲

نام شامپویی را برد که برای درمان خارش سر و از بین بردن شوره به کار می‌رود. آن را نداشتیم، ولی شامپوی دیگری که همان کار را می‌کرد برایش آوردم. تا چشمش به شامپو خورد، رو به من کرد و گفت: این شامپو علی‌رغم این که می‌گوید هر دو کار، یعنی خارش سر و شوره را برطرف می‌کند، هیچ کدام را انجام نمی‌دهد. به ایشان گفتم: بعضی از این محصولات بهداشتی، مثل «شترمرغ» هستند. وقتی می‌گویی پر بزن می‌گوید من «شترم». وقتی هم می‌گویی

آب نبات‌های مکیدنی اوکالیپتوس و یا آدولت کلد استفاده شود.

یادداشت ۶

اول که وارد داروخانه شد، یک راست رفت سراغ نیمکت و روی آن نشست. ابتدا نفس نفس می‌زد. حالش که جا آمد از داخل کیف دستی‌اش یک بسته قرص آتورواستاتین ۴۰ میلی‌گرمی بیرون آورد و به طرف من دراز کرد. بلافاصله هم عنوان کرد که اگر می‌شود این را پس بگیرید. به ایشان گفتم که دارو طبق دستورالعمل وزارت بهداشت قابل پس گرفتن نیست. ایشان ادامه داد که پس برایم با یک بسته قرص ۲۰ میلی‌عوض کنید. دو مرتبه مسأله بخشنامه وزارت بهداشت را گوشزد کردم.

سؤال کرد: می‌شود قرص ۴۰ میلی را نصف کرد؟ پاسخ مثبت بود. دو مرتبه سؤال کرد که نصف قرص ۴۰ میلی با قرص ۲۰ میلی فرق ندارد؟ به ایشان متذکر شدم که مگر نصف نان سنگک با یک نان سنگک از نظر ماهیت نان بودن فرق دارد؟

دیابت شوهرش بود. در خاتمه هم پرسید که دلیل بیماری قند شوهرش چیست؟ گفتم: بیماری قند دلایل مختلفی دارد، ولی یک دلیل آن هم می‌تواند «شیرین زبانی»‌های شما باشد!

یادداشت ۵

پسر جوان حدوداً ۲۵ ساله‌ای بود. مقابل پیش‌خوان داروخانه که قرار گرفت، تقاضای چهار عدد کپسول آموکسی‌سیلین ۵۰۰ میلی‌گرمی داشت! سؤال کردم که برای چی می‌خواهد؟ گفت: هر وقت گلویم سوزش پیدا می‌کند، چهار عدد از این کپسول‌ها را می‌خورم و خوب می‌شود. برایش توضیح دادم که آنتی‌بیوتیک باید به مقدار کافی مصرف شود، تا هم عفونت را به‌طور کامل برطرف کند و هم مقاومت میکروبی ایجاد نکند. در مورد آموکسی‌سیلین هم بهتر است که ۲۰ عدد کپسول به مدت ۷ روز مصرف شود تا مشکلی پیش نیاید. ضمناً توصیه کردم که برای سوزش گلو که همراه با تب (نشانه عفونت) نباشد، بهتر است از